**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و بیست و نهم\_29 تیر 1399**

یکی از اموری که فرموده اند می تواند معیّن قضیۀ مهمله باشد از ظنون جایی بود که ظن مورد نظر ظن دیگری بر حجیتش قائم شود، که آن ظن قائم شده بر حجیت متیقن الاعتبار باشد، این بحث دیروز بود، اما صفحۀ 490:

الثانی: أن یکون الظن القائم علی حجیة ظن متحدا لا تعدد فیه،

اگر فرض کنیم که مظنون الاعتبار ما، فقط یک اماره، امارۀ واحده بر حجیتش اقامه شده است، خب اینجا امر ما منحصر است در همان مظنون الاعتباری که امارۀ واحده بر حجیتش اقامه شده است. عمل می کنیم به این مظنون الاعتبار اگر چه در سنجش بین ظنون در اصول به این نتیجه رسیده اییم که این جزء اضغف الظنون است. با این که جز اضعف الظنون است اما چون امارۀ واحده ایی بر حجیتش قائم شده است، یعمل به فی تعیین متبع. چرا؟ چون فرض بحث ما فرض انسداد است. انسداد باب علم یعنی ما نمی توانیم تشخیص بدهیم از چه چیز تبعیت کنیم. علم نداریم که تبعیت ما از چه چیز است؟ به اصول حتی احتیاط هم نمی توانیم مراجعه کنیم که قبلا بحث شد پس باید از انجایی که تکالیف را موظفیم انجام بدهیم به ظنون موجوده در مساله مراجعه کنیم. این تنها راه ماست و لو اضعف الظنون باشد به همین اضعف الظنون عمل می کنیم. این دو. اما؛

الثالث: أن یتعدد الظنون فی مسألة تعیین المتبع بعد الانسداد بحیث یقوم کل واحد منها علی إعتبار طائفة من الامارات کافیة فی الفقه

حال که ما قائل به انسداد شدیم اگر چند مظنه بود که هر یک از این چند ظنون بر اعتبار بخشی از امارات دلالت می کرد، ظن الف بر امارۀ الف، ظن باء بر امارۀ باء، ظن جیم بر امارۀ جیم، که آن امارات در فقه ما را بس. اگر بخواهم مثال را بهتر بگویم این طوری عرض می کنم. ظن الف بر طائفه ایی از امارات که من اسمش را طائفه باء می گذارم، بر اعتبارشان دلالت یم کند. ظن باء بر اعتبار یک طائفه دیگری از امارات دلالت می کند که من نامش را مثلا ذال می گذارم. همه این طوائف هر کدام در فقه متبع بود کافی است منتها مساله این است که ان ظنونی که اعتبار بخشی کرده است، به این طوائف از امارات کلها فی مرتبة لا یکون اعتبار بعضها مظنونا. دیگر اعتبار خود این ظنون اعتبار بخش مظنون نیست، که از بین همۀ این ظنون اعتبار بخش یکیش مثلا بر اعتبارش قائم شده باشد. اعتبار داده باشد به این ظن اعتبار بخش، نداریم. خب از یک سو ما انسدادی هم هستیم که ما باید فی الجمله به این ظنون عمل کنیم. از یک طرف هم مفروض این است که ظنون در این مساله با یکدیگر مساوی اند، ظنی بر ظن دیگر ترجیح ندارد. مرجحی برای بعضی از این ظنون علی بعض آخر نیست، از سوی دیگر تخییر هم که اجماع داریم بر بطلانش. احتیاط کلی هم که ممکن نشد. معلوم هم نیست که تا کجا باید عمل کرد که احتیاط تعسر پیدا کند. ما همه راه ها بسته شده برایمان. به همین ظن عمل می کنیم.

پس اگر این ظنون متعدد شد و بر اعتبار هیچ یک از این ظنون ظن دیگری اقامه نشد، همۀ این ظنون در یک درجه بودند می توان آنچه را که بر آن قائم شده اند، معتبر کند فی الجمله و انسدادی به هر یک از این ها که بخواهد می تواند عمل کند.

ان شاء الله در جلسه بعد لازم است یک جمع بندی از بحث دیروز و امروز داشته ابشم و ادامه بحث را هم خدمتتان توضیح بدهم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.